

جلسه ۱ ۸۸-۸۷ مکاسب محرمة / تصویر و مجسمه سازی

بسم الله الرحمن الرحيم

مکاسب محرمة

در تکسب محارم محرم، تکسب به اعمال محرمة بود، در اعمال محرمة تبعاً این که کسی اجیر شود برای عمل محرم و کسبش از ناحیه عمل حرام باشد، این امری محرم است، و کبرای کلیش روشن است و باطل هم هست و اکل مال به باطل است.

از میان اعمال محرمة، که محرمات وسیع و گسترده هم هست، بعضی از آن محرماتی که متداول است تکتراً به آنها، بحث شده است البته غیر این قبیل هم از چیزهایی که تکتراً به آن هم متداول نیست، آن هم کم و بیش آمده است، اما بیشتر چیزهایی که عمل های محرمی که تکسب به آنها رواج دارد آن را بیشتر مطرح کرده است.

تصویر محرم

آن قسم جدیدی که از امروز بحث آن را شروع خواهیم کرد، تصویر است که در کلمات قدماء از همان اعصار اولیه این مسأله مطرح بوده است که تصویر محرم است و کسبی که بر اساس تصویر محرم باشد، آن هم حرام و باطل است. این قسم جدید و بحث جدیدی است که در تکسب به اعمال محرم مطرح شده است. اینجا مقدماتی را عرض می کنیم تا به خود بحث برسیم. نکته اول این است که این بحث همان طور که اشاره کردم بحث جدیدی نیست، اصل بحث تصویر و تمثیل و تمثال و صورتگری و پیکر تراشی و مجسمه سازی و نقاشی و امثال اینها، یک بحث سابقه داری است، اگر همین کتب فقهی را ملاحظه بفرمایید از همان مغنی شیخ مفید، در زمان شیخ مفید و حتی قبل از ایشان، کتبی که وجود دارد و بعد هم در طول تاریخ فقه یک بحث ریشه داری است که از همان اوائل مطرح بوده است. سرآن هم این است که خود این بحث به عنوان کلی و کلان در خود روایات مطرح بوده است، وقتی در مورد چیزی از اول روایت به طور مستقیم وجود داشته باشد، طبیعی است از نظر فقهی از همان صدر اول و ادوار اولیه هم مورد بحث قرار می گیرد، بنابراین مسأله مستحدثه ای نیست، مسأله ای کلی است و مسأله ای است که سابقه دارد و سابقه آن هم در فتاوا و کتب فقهی است و هم در خود روایات مطرح شده است که شاید انبوهی از روایات در خود مسأله وجود دارد. شاید قریب هفتاد، هشتاد روایت در این بحث وجود دارد. و این مطلب روشنی است و از نظر مذاهب هم همین طور است و در کتب عامه و خاصه و همه مذاهب این بحث مطرح بوده است. این یک نکته اولیه که بحث تصویر و مجسمه سازی و صورتگری و.. موضوعی سابقه دار هم در روایات و هم در کتب فقهی و فتاوی و هم در مذهب خاصه و سایر مذاهب است. مقدمه دومی هم که اشاره به آن اینجا خوب است این است که بحث تصویری که اینجا آمده است، تقسیماتی دارد که بعضی از اقسامش سابقه داشته است و بعضی از مسائل جدیدی هم دارد که در سابق نبوده است، آن چه که از قدیم مطرح بوده و قدما مطرح کرده اند

تقسیم بندی مصورات در کلام قدما

این تقسیم است که ما وقتی می خواهیم صورت چیزی را ایجاد کنیم و طراحی کنیم این تصویر کردن به دو نوع تقسیم می شود گاهی به نحو تجسیم و گاهی به نحو نقش است. گاهی حالت مجسمه سازی و پیکرتراشی دارد که ذوابعاد ثلاثه است، صورت شیء دارای ابعاد ثلاثه است که مجسمه است و جسم نیست، حالت تجسم دارد و ابعاد ثلاثه دارد. یک نوع دیگر هم نقش و نگاری است که عمق ندارد، همین صورت ظاهری دارد، طول و عرض دارد که به آن نقش می گوئیم که سابق با قلم کشیده می شد، حالت نقاشی دارد. این یک تقسیم است که از قدیم هم وجود داشته که تصویر گاهی به نحو تجسیم و گاهی به نحو نقاشی است که هر دو در تمدن بشری از قدیم وجود داشته است و هر یک از اینها تقسیم می شد به تصویر یا تجسیم ذوات ارواح، موجودات دارای روح و جان چه حیوان و چه انسان، و موجوداتی که دارای روح نیستند که مجسمه ای یا نقاشی ای از یک سنگ ارزشمند ایجاد می کند یا یک درخت و امثال اینها که زیاد است.

این هم یک تقسیمی بوده که در کلمات قدما از همان اعصار اولیه این چهار صورت مطرح بوده که صورتگری گاهی به نحو مجسمه سازی و پیکرتراشی است و گاهی به نحو نقاشی و.. است و هر یک از اینها گاهی برای ذوات ارواح است و گاهی برای موجودات غیر ذی روح است. گاهی برای حیوان و انسان و.. است و گاهی برای درخت و.. است یا منظره و کوهی.

بحث اینجا دو بحث است که یکی مجسمه سازی و پیکرتراشی است که خود این یا ذی روح است یا غیر ذی روح است و قسم دیگر همان نقاشی و طراحی هایی است که بعد عمقی ندارد و سه بعدی نیست که آن هم باز ذی روح و غیر ذی روح دارد و این چهار قسمی بوده که از قدیم مطرح بوده است.

تقسیم بندی مصورات در عصر جدید

در اعصار جدید و دوره های معاصر یک چیزی پیدا شده به عنوان عکس و تصویر به معنای عکس که در حقیقت به شکل نقاشی با دست نیست، به شکلی که با دوربین صورت شیء را می گیرد و چیزی نظیر شیء دیگری در می آید که این هم با این کیفیت و وضع یک امر جدیدی است گرچه از یک منظر کلی در همان قسم دوم قرار می گیرد و جزء تقسیم نیست و جزء صورت برداری ها و نوعی نقاشی است منتهی نقاشی یک وقت با دست انجام می گیرد و حالا با یک ابزاری نقش او را ایجاد می کنند و ایجاد نقش شیء دیگری است نه این که صورت مجسم او باشد. و این امر جدید ممکن است بگوئیم متفاوت با بحث های قبلی است و ممکن است بگوئیم این همان از نوع نقاشی است.

اقسام بحث از یک نگاه کلی در واقع وقتی صورت چیز دیگری را به صورت مجازی می خواهد ایجاد کند یک بار است که به صورت مجسمه درست می کند که به صورت ابعاد است و یک بار است که به صورت غیر مجسم

است که هر کدام یا ذی روح است یا غیر ذی روح است و چیزهای جدید را باید یکی یکی بحث کنیم. آن چه که جدید است غیر از صورت متعارف قدیمی است یکی همان عکس برداری است که یک امر به معنا جدید است گرچه می توان گفت نقش است، نوعی ایجاد نقش است، یکی صورتهای سه بعدی است که در تلویزیون نوعی برنامه ها ایجاد می کند سه بعدی خودشان را نشان می دهد که آن هم باید بحث شود ولی آن سه بعدی آن سه بعدی مجازی است نه حقیقی، در واقع این هم محل بحث است که آیا این تجسیم است یا این که نه، در واقع تنقیش، نقاشی صورت ذو ابعاد است گرچه به ظاهر ذوابعاد ثلاثه نشان می دهد که حالا صور سه بعدی که در تلویزیون و در این برنامه های کامپیوتری وجود دارد که از این قبیل است و تلاش هم می شود در تلویزیون و.. همه اینها به سمت این بروند که خودشان را سه بعدی نشان دهند منتهی اینها سه بعدی مجازی است. این هم مقوله جدیدی است.

آن اسباب بازی چیزهای جدیدی نیست، گرچه امروز خیلی پیشرفته تر شده است ولی در قدیم هم اسباب بازی وجود داشته حتی در روایات هم بحث عایشه و کتب اهل سنت آمده و در کتب ما هم یکی دو موردش آمده باشد که عایشه یک عروسکی داشته چون کوچک بوده، آن هم هست منتهی همان جزء مجسمات می آید مجسماتی که جنبه اسباب بازی دارد نه پیکره های مجسمه های آن شکلی در... بوده است.

طلبه:

استاد: جزء شکلکهایی است که به صورت اسباب بازی درست می شوند، که الآن به صورت کامپیوتری درمی آید حتی ذوابعاد هم هست، در فضای مجازی هست، همین چیزهای جنگی که درست می کنند در بازیهای کامپیوتری، سه بعدی نشان می دهد و سرباز و تانک و همه تصویر و تصورش این است که یک چیز واقعی و سه بعدی واقعی است و... اینها نهایتاً تجسیم معلوم نیست باشد، اینها باز هم نقاشی و طراحی های نقشی است، نه جسمی، تجسیمی.

در بحث های جدید خود این نقاشی ها یک وقت نقاشی خیلی عادی است، گاهی حالت های گرافیکی دارد و تخیلی می شود آن هم مقوله ای است که باید بعداً به آن توجه کنیم.

گرچه به نظر می آید آن تقسیم کلی که از قدیم بوده سرچایش محفوظ است، بهرحال صورت چیز دیگری را خلق می کنیم گاهی به صورت سه بعدی و گاهی به صورت نقاشی است منتهی سه بعدی هر کدام ذی روح یا غیرذی روح است و عکس و گرافیک و این چیزها معمولاً برمی گردد به همان نقاشی ای که مطرح بوده است از لحاظ عنوان کلی یک چیز جدیدی نیست گرچه مصادیق جدید است.

علی الاصول همین چهار قسم که از قدیم مطرح بوده است شامل می شود حتی نسبت به چیزهای جدید، گرچه مصادیق نوع و تازه ای برای هر یک از اینها پیدا شده است یعنی نقاشی و تصاویری که ذو ابعاد ثلاثه نیست، این یک نوعش از این مسائل کامپیوتری است که قدیم نبوده است. یا عکسبرداری است که نقشی است که قدیم نبوده

است اینها همه در مقوله نقاشی و قسم دوم قرار می گیرد، نقاشی به معنای عامش نه به معنای خاص، یعنی ایجاد صورت ذو ابعاد ثلاثه برای شیء دیگر.

ایجاد، نگهداری و معامله مصورات

مقدمه سوم هم این است که بحثی که ما در اینجا مطرح خواهیم کرد در سه مقام قرار می گیرد یک بحث ساختن و خلق این صور و مجسمات است، خود عمل ایجاد این امور است، یعنی مجسمه سازی و پیکر تراشی و نقاشی و عکسبرداری است خود این عملیات صورت برداری است و صورتگری است. مقام دومش حفظ اینها و نگهداری اینها در خانه یا محل کار است و یک هم معامله به اینهاست که اینها را خرید و فروش کند.

یکی خود عمل صورت گری است، دیگری حفظ و نگهداری اینهاست و یکی هم معامله به اینهاست که مورد کسب و کار و تجارت قرار می گیرد حالا به صورت خرید و فروش فردی یا گسترده ای باشد که در بازار انجام می گیرد.

اولین مرحله که همان عملیات ساختن اینهاست که آیا جایز است یا این که جایز نیست و اگر هم جایز است کراهت دارد یا ندارد؟ جواز و کراهت و حرمتش محل بحث است.

مصورات در تمدنهای قبل

یک مقدمه دیگری هم خوب است که بحث فقهی نیست ولی اشاره به آن بد نیست و آن این است که مجسمه سازی به طور خاص و حتی نقاشی یک امری بوده که در تمدن های دیگر و تمدن مسیحیت و زرتشت و ... وجود داشته و مورد توجه بوده است و امروز در کلیساها و مسیحیت در دوره قدیم به نقاشی و در معابدشان توجه می شده است و از طرفی این مقوله با بت پرستی یک پیوند نزدیکی دارد به خصوص مجسمه حالا این که صور غیر مجسمه هم مورد پرستش قرار می گرفته است. این محل اختلاف است شاید مصادیقی هم برایش بوده است ولی مجسمه به خصوص امری بوده که از یک طرف با بحث بت پرستی رابطه نزدیکی دارد و از قدیم در بت پرستی به کار می رفته که همان اصنام که گفته می شده اوئان و اصنام یک بخش عمده آن مجسمه ها بوده که مورد پرستش قرار می گرفته که ابتدا هم تجسمی از خدایان واقعی ساخته می شده است و آرام آرام آن را گاهی به عنوان خدا تلقی می کردند. اول بت پرستی همین بوده است که اینها را صورت خدایی آسمانی تصور می کردند. گاهی عوامی که شده این صورت خدای آسمانی، خودش خدا تلقی شده است.

در هر حال مجسمه سازی یک کاربرد وسیعی در بت پرستی داشته منتهی معمولاً مجسمه ها صور خدایان بوده است بعد تلقی شده که خودشان خدا هستند، گاهی هم صور همین موجودات طبیعی بوده ولی به عنوان صور موجود آسمانی تلقی می شده است، پس با بت پرستی خیلی رابطه نزدیکی دارد به خصوص مجسمه سازی اما آن نقاشی ها کمتر رابطه دارد گرچه ظاهراً گاهی نقاشی ها و تصویرهای بدون تجسیم هم در مقام بت پرستی به کار می رفته است. اصنام و اوئان از این قبیل است و از طرف دیگر این در بت پرستی هاست یعنی در ادیان غیر الهی

و توحیدی است و در ادیان توحیدی در دین هایی که جنبه تحریفی در آن پیدا شده مثل مسیحیت و زرتشت، باز بحث مجسمه خیلی رواج داشته است هم در قدیم در معابد و کنائس و.. رواج داشته است و در عهد جدید این امر خیلی رایج و متداول بوده است. مجسمه ها شعائر و محور بت پرستی می شده و یا به نحوی مجسمه ها شعائر بت پرستی بوده و الآن هم هست و لذا الآن هم اگر کسی به کلیساها برود تفاوت کلیساها و مساجد، آن فرهنگ با این فرهنگ یک تفاوتش این است که آنجا جای مجسمه ها و تصویرها و نقشها و.. است، ولی در مساجد این بحث وجود ندارد. این امر به خصوص سابقه دار در بت پرستی و ادیان تحریف شده است.

مجسمه سازی و صورتگری به عنوان هنر

از جهت دیگر مجسمه سازی و پیکر تراشی و صورت گری به عنوان هنر خیلی مهم به شمار می آید یعنی چند رشته هنری در این مقوله وجود دارد و از قدیم هم بوده است. میشه لانژ در همان ایتالیا در قرن ۱۶، ۱۷ بوده است که از پیکر تراشان مشهور غرب است و این هنر در غرب سابقه ممتدی دارد و در همین دوره های قبل و بعد از رنسانس هنر مجسمه سازی و پیکر تراشی و.. هنر بسیار مهمی بوده و چهره های بسیار مهمی ظهور کردند که یکی از مشهورترینشان همان میشه لانژ است که ایتالیایی است و مجسمه هایش هم فوق العاده عجیب است آنهایی که در خود روم است.

بهر حال این یک هنر به حساب می آید و رشته های هنری متعددی که گرافیک و نقاشی ها و صورت گری و پیکر تراشی انواعی از رشته هاست که رشته های متعدد هنری است که سابقه تاریخی دارد و در عصر جدید هم تبعاً توجه شده است به نحوی به سمت نرم افزاری تسری پیدا کرده و خودش مقوله ای شده است بهر حال پیکر تراشی و نقاشی و صورت گری و... از مقولات هنری خیلی مهم به شمار می آید، رشته در آمده و در حدی است که در دانشگاههای هنر وجود دارد، رشته های هنری که است رشته مجسمه سازی، نقاشی و... است یعنی کاملاً مقوله مهم در باب هنر است.

اینها را عرض کردیم برای این که سر و کار ما در این بحث گاهی معمولی هم نیست با یک موضوعی است که از یک سو با بت پرستی در اعصار قدیم مرتبط بوده و از یک طرف با بت پرستی ها، که خود اینها شعب مختلفی هست که بخشی الآن در کشورهایی هست از جمله هند و بعضی جاها که امروزه هم هست مجسمه های خدایان و... بنابراین با آن بحث مرتبط است و با ادیان تحریف شده ای مثل مسیحیت مرتبط است که به نحوی جزء شعائر آنها به حساب می آید مجسمه ها و.. و از طرف سوم اینها را کنار می گذاریم و خیلی به آنها ربطی ندارد و خود مجسمه سازی و صورت گری و خود عکس برداری، گرافیک چه به شکل حقیقی اش و چه به شکل مجازی و کامپیوتری، این دنیای وسیعی از هنر است در حدی که به صورت... رسمی در آمده و رشته دارد و مسابقات برایش برگزار می شود و کارهای بزرگی برایش انجام می شود برای این که پدیده متعارفی نیست، یک پدیده هنری است با تنوع رشته ای، با پیچیدگی و با علمی شدن و رواجی که دارد و یکی از مظاهر شکوفایی ذوقها و هنرهای

اشخاص است که به صورت علوم و دانشها در آمده است و در علوم و دانشها یک دسته از علوم، مجسمه سازی و گرافیک و نقاشی و طراحی و عکسبرداری و فیلمبرداری است که فیلمبردار هم صور است که همه اینها یک شکلش حقیقی و یک شکلش مجازی و کامپیوتری و نرم افزاری طراحی انجام می شود که آن صورت موجودات ذی روح یا غیر ذی روح است به خصوص عکسبرداری و یا فیلمبرداری جزء زندگی بشر شده است و کسی اگر زندگی داشته باشد که سروکارش با اینها نباشد خیلی دشوار و سخت به نظر می آید.

طلبه:

استاد:

در حقیقت جزئی از تمدن بشری به حساب می آید، کل رشته های مذکوره یک تمدن به حساب می آید و یک میدانی برای بروز ذوق و هنر اشخاص است البته در تمدن غربی، چه در غرب قدیم و چه در غرب جدید این بحث ها به خصوص مجسمه جایگاه بالاتری دارد که شاید منشأ این که در این سوی دنیا آن طور پیشرفت هم نداشته خود همین روایات و بحث هایی باشد که اصولاً تمدن ما را به این سمت برده و آن سوی عالم، غرب قدیم و جدید در آن مخصوصاً مجسمه و ... یک جایگاه برتر و بالایی دارد، بسیار برجسته است البته اینجا روشن است که پیوندی که این بحث مجسمه سازی در یک عصر با بت پرستی داشته آن پیوند امروزه هم هست ولی خیلی کمتر شده است گرچه در جاهایی مثل بعضی گروه ها در هند رواج دارد ولی این پیوند خیلی کاهش پیدا کرده است.

این بحث با چند موضوع علمی و اجتماعی و هنری ارتباط دارد مخصوصاً مجسمه سازی و پیکرتراشی یکی از جاهایی است که تا حدی تمدن غربی را از شرقی و اسلامی بخش از شرق مسلمان تمایزی در این جهت دارد و در تمدن اسلامی این بحث کمتر رواج دارد ولی در آن تمدن ها رواج بیشتری دارد به خصوص در همان مجسمه سازی و ...

واژه تمثیل و تمثال در متون دینی

یک مقدمه دیگر این است که آن واژه هایی از روایات که در این دو بحث با آنها کار داریم عمدتاً دو واژه هست یکی صورت و یکی تمثال یا تمثیل و تمثال. اینها دو واژه مهمی هستند که در روایات وجود دارند و به خصوص واژه تمثیل که در خود قرآن هم هست که جمع تمثال است و در قرآن یکی در قصه حضرت ابراهیم (علیه السلام) داریم که ماهذه التماثيل التي انتم لها عاكفون، که بعد حضرت رفت و آنها را شکست که آن تماثيل همان مجسمه هایی بود که می پرستیدند و بت ها بوده که قدر متقش هم مجسمه است البته بحث شده است که آیا فقط اینها مجسمه بوده یا طرح و نقاشی بوده ولی بعد از این که حضرت آنها را شکست و قرائنی وجود دارد که قدر متقش همان بت های مجسم بوده و مجسمه هایی بوده که پرستیده می شده است که در اینجا جنبه مذمتی دارد و یکی در

سوره سبأ است که در قصه حضرت سلیمان آمده که و یعلمون له محاریب و تماثیل و جفون کالج.... در آیه ۱۳ سوره سبأ باز تماثیل آمده که منتهی این تماثیل به عنوان یک امر مذموم نیامده است بلکه یکی از جلوه های جلال و جبروت و شکوه حضرت سلیمان به حساب آمده است که حضرت سلیمان اجن در خدمت او بودند و جن ها و پریان برای او محاریب و تماثیلی درست می کردند که این را در روایات دارد که مقصود این تماثیل آیا مسلم همان مجسم بوده و نقش نبوده است منتهی مجسمه ذی روح بوده یا غیر ذی روح بوده است که در روایات بحث می شود.

تماثیل در قرآن آمده و تصویر به این معنی صورت که متناسب به بحث ما باشد نیامده ولی در روایات آمده است بنابراین دو واژه است که محور عمده بحث است و در متون دینی هم آمده است منتهی تمثال و تمثیل هم در روایات آمده هم در قرآن و تصویر و تصاویر در قرآن نیامده است و در روایات آمده است. صورت و تصویر و امثال اینها. در قرآن البته همان طور که عرض کردیم تماثیل در یکجا مقصود همان مجسمه های بتی است، بت هایی که مجسمه بوده که در قصه حضرت ابراهیم است در سوره انبیاست، و یکی در سوره سبأ است که اینجا برایش مذمت نیست، بلکه به نحوی دلیل بر جوازش می شود چون برای حضرت سلیمان این کار می شده است و اگر دلیل خاصی هم نباشد، آن حکم می شود باقی است در شریعت اسلام باقی است مگر نکته خاصی باشد که بعداً در روایات بحث خواهد شد.

تمثیل و تمثال در لغت

این دو واژه هم معانیشان از لحاظ اصل معنی واضح است گرچه در ریزه کاری ها یک ابهام هایی دارد که من راجع به اصل معنای اینها یک اشاره ای می کنم گرچه واضح است و فقهاء خیلی سراغ لغت نرفتند که بازش کنند علتش این است که اصل معنی تا حدی که ما از لغت یک چیزی دریافت کنیم واضح است، ولی در ریزه کاریهایی است که لغت آن را رفع می کند. اصل آن دو معنی روشن است.

تماثیل، ماده اصلیش مثل است، مثل هم یعنی چیزی نظیر چیز دیگری، تمثیل دو معنی دارد: یکی این که تمثیل، یعنی مثل آفرینی، منتهی، مثل دیگری را آفریدن. گاهی در مقام همین حرف زدن و تمثیلهایی که ما انجام می دهیم، گاهی تمثیل در مقام عمل است، عملیات مثل سازی است، مانند سازی است، شبیه سازی است، این تمثیل، معنای لغویش این است که چیزی شبیه چیز دیگری باشد، و بین آن و چیز مماثله ای باشد و تمثیل یک وقت در مقام تبیین مثال است که مثال زدن است و تشبیه است آن که به بحث ربط ندارد، یک معنایش نه، مثال آفرینی است، که بحث ما این است که چیزی را نظیر دیگری ایجاد کنیم نه این که در مقام بیان و حرف زدن و تشبیه و تمثیل بیانی و تعبیری باشد، این تمثیل در بحث ما مثل آفرینی و ایجاد المثل و المثال است که چیزی را شبیه چیز دیگر بیافرینیم خلق کنیم. که تمثیل مصدر است و جنبه مصدری دارد و تمثال اسم مصدری آن است و حاصل آن کاری که انجام

می دهد برای این که پیکری بتراشد و نقاشی ای کند و تصویری را ایجاد کند و عکسی بردارد. به معنای لغوی همه اینها تمثیل است و تمثال حاصل آن است و آن چیزی که بعداً نتیجه می دهد. جمعش هم تمایل است که در قرآن به صورت جمعی آمده است.

طلبه:

استاد: چون زنده است باید بعداً بحث کنیم و اینجا بحث نمی کنیم. این در تمثیل است که اینجا آمده و تصویر هم از ماده صورت است که صورۃ الشیء که می گوئیم یک وقت مقصودمان حقیقت خود این، که در فلسفه گفته می شود صورت انسان همان فصلش است که اینها صورت واقعی شیء است و مقصود نیست، اینجا یعنی صورت ممائل است صورتی که ممائل اوست نه این که صورت خود شیء است. می گوئیم این امر که الآن موجودی که اینجا است از ماده و صورت تشکیل شده است که در فلسفه گفته می شود آن صورت حقیقیه است. اینجا که می گوئیم صورت و تصویر یعنی صورت سازی است، دیگری ساختن و نه صورت حقیقیه است. پس معنای حقیقی صورت مقصود نیست یعنی صورت مشابه و ممائل مقصود است و تصویر هم که می شود همان صورت سازی و تصویر گاهی به معنای مصدري به کار می رود یعنی عملیات صورت سازی و مثل آفرینی و یک وقتی هم هست که معنای اسم مصدري می آید که آن اسم مصدري می آید که نقاشی ای که حاصل شده است که این به معنای اسم مصدريش تصاویر می شود که امروز در تصاویر و در عکس هم می گویند، قدیم هم در نقاشی و.. بوده است. این دو مقوله - تمثیل و تصویر - هست که هر دو در واقع ایجاد نظیر شیء است، ایجاد نظیر شیء در این دو لغت و دو واژه شامل شبیه سازی که امروزه در حیوانات انجام می شود، نمی شود. آن شبیه سازی، در واقع خلق موجودی است و صورت واقعیه دارد و روایات آن را قطعاً شامل نمی شوند حتی از نظر لغوی هم اگر شامل شوند، انصراف دارد که اصلاً به این ربطی ندارد و از نظر لغوی هم شامل نمی شود.

وقتی تصویر و تمثال و تصاویر می گفتند یعنی صور مجازی شیء، آن چیزهایی که مثل آن هست ولی نه این که همان ویژگی های روح و آن خاصیت نباتی و جمادی و خواص واقعی در او نیست، نظیر اوست. در شکل ظاهری نظیر اوست نه این که همان ظاهر ممثل که همان قدرت را داشته باشد.

این دو واژه با این خاصیتها یک عنایات و نکاتی در آن هست یکی این که در هر دو واژه همان مثل سازی و نظیر سازی هست و این نظیر سازی معنایش این است که یک چیز واقعی هست که این مشابهت با آن دارد، پس تصویر و تمثیل، حکایت گری از یک چیز دیگر است که آن چیز دیگر البته ممکن است در عالم خارج واقعی باشد، ممکن است یک چیزی در خارج ساخته باشم، یک چیز خیالی و در عالم خارج نظیر آن چیز خیالی را ایجاد کنیم و هر دو را می تواند در بر گیرد. به هر حال تصویر و تمثیل نظیر سازی است و نظیر و شبیه سازی یعنی این که ما یک ممثل داریم و مصوری داریم که این صورتی از آن است منتهی آن مصور و ممثل مامکن است واقعی باشد مثل مجسمه بوعلی سینا، ممکن است مجسمه واقعی مادی باشد، ممکن است واقعی غیر مادی باشد، صورتی از

ملائکه و جن بسازد، ممکن است صورتی از امر خیالی باشد، گاو ده سری باشد، در ذهن تخیل می کند، بعد نظیرش را نقاشی می کند. این یک شبهه بهی، یک محکی عنهی یک ممثل است که آن را نشان می دهد و نکته دیگر این که این مثل، مثل واقعی نیست که خواص او را داشته باشد، همان صورتی، حکایت می کند حالا دو بعدی یا سه بعدی، یا تجسیم یا نقش، یک صورت از آن حکایت می کند نه این که خواص او را داشته باشد. طلبه:

استاد: رباط یک مقوله ای است و متفاوت با این است. علی القاعده باید در مجسمه بحث کنیم. اما این که تصویر و تمثیل مخصوص تجسیم اند یا نقاشی را شامل می شوند یا این که بعضی گفته اند که اینجا احتمالاتی وجود دارد که خیلی اینها را لغت مشخص نکرده است. احتمال دارد که بگوییم تمثیل و تصویر هر دو هم تجسیم و هم نقاشی هر دو را شامل می شوند. احتمال دارد بگوییم که این دو تا در لغتی که ما از قدیم داشتیم، در نقطه مقابلش فقط تجسیم را شامل می شوند تصویرهای غیر.. را شامل نمی شوند. احتمال سوم این است که بگوییم تمثیل، مجسمه سازی است، تصویر غیر مجسمه است. احتمال چهارم این است که بگوییم تصویر عام است و تمثیل فقط مجسمه سازی است و این احتمالات در اینجا است که لغت این ها را روشن نکرده است. آن چه که مسلم است تمثیل و تصویر مجسمه را شامل می شود به خصوص تمثیل مجسمه را شامل می شود اما این که تصویر مجسمه را شامل می شود خیلی واضح نیست و یک نوع شبهه مفهومی ای هم موجود باشد که بعد بحث می کنیم.

روایات این بحث یکی در ج ۳ کتاب صلوٰۃ ابواب احکام مساکن باب ۳ و ۴

ج ۱۳ مکاسب محرکه که مایحرم التکسب به، باب ۹۴ است.

در غیر ذی روح این ماکت سازی و نقاشی ها و طراحی های معماری هم امر خیلی مهمی است و آینده را تخیل می کند و تصویر می کند، گاهی به صورت طرحهای معماری است و گاهی به صورت ماکت درآوردنشان است.